

دشمنان انبياي الهي: از گوساله پرستان سامري تا صهيونيزم بين المللي و
تکفيري هاي عرب تبار يهودي الاصل داعش، در مقابلۀ با انقلاب اسلامي

دشمنان انبياي الهي: از گوساله پرستان سامري تا صهيونيزم بين المللي و تکفيري هاي عرب تبار يهودي
الاصل داعش، در مقابلۀ با انقلاب اسلامي

أ. محمد رحيم افغاني/ افغانستان

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العلمين، والصلوة والسلام علي نبينا محمد وآله الطاهرين وعلي جميع الائمة المعصومين و
علي الاوصياء العارفين وعلي العلماء العاملين وعلي الفقهاء المجاهدين اما بعد قال الله تبارك و
تعالى في القرآن المبين

بسم الله الرحمن الرحيم»

فاعتبروا يا اولاء ابصار

جناب رئيس، هيئت محترم، حضار گرامي خواهران و برادران سلام عليكم و رحمت الله و بركاته.

محترماً: اجازه بفرمائید مختصراً مطلبی پیرامون، (دشمنان انبیای الهی: از گوساله پرستان سامری تا صهیونیسم بین المللی و تکفیری‌های عرب تبار یهودی الاصل داعش، در مقابله با انقلاب اسلامی) باشما صحبت نمایم.

اما قبل از هرچیز، شایسته و سزاوار میدانم یاد امام راحل رهبر کبیر و فرزانه انقلاب و بنیان گزار جمهوری اسلامی را گرامی داشته و درود بی پایان خویش را بر روان آن عارف شب زنده دار، متوکل به خدا، مطمئن به عنایات الهی و همکاری مردم بفرستم.

و از دین باوری عمیق و ژرف ولی امر مسلمین رهبر فرزانه انقلاب اسلامی نسبت به اسلام، ولایت، و وحدت امت اسلامی نه تنها باید آموخت که تشکرو قدر دانی نمایم، که مجمع تقریب مذاهب اسلامی را در راستای هدف بلند امام راحل مدیریت و رهبری نموده تا بادرک او لویت های زمانی و مکانی اسلام و مسلمین در رابطه با سرنوشت آنها به صحبت نشسته و بستری برای بیداری انسانها و تحقق اسلام و ظهور حضرت حجت ابن الحسن العسکری (ع) تدارک دیده و آماده سازی می کنند.

حضار محترم:

بحران و چالش و شکست در اردو گاه قدرتهای بزرگ بین المللی به معنی حقیقی کلمه زمانی رقم زده شد که پیر مردی از تبار ابراهیم تبر بدوش، راه مستقیم و هدایت را نه تنها در تدبیر و اندیشه که در رفتن بطرف جهان فراتر از جهان قدرتهای بزرگ جهانی ترسیم و توصیه نمودند و چه زیبا فرمودند که: ملت آمریکا کم کم بیدار می شوند و خواهد شد.....

همچنانیکه رهبر فرزانه انقلاب و ولی امر مسلمین با رهنمودهای خرد مندانه و تلاش توأم با امید صحبت از آگاهی جوانان و متفکرین و اندیشمندان جهان بخصوص اروپا و غرب را عنوان نموده که اگر چنانچه خوب و دقیق مدیریت شود مطمئناً اثراتی را در اقصی نقاط جهان در پی خواهد داشت.

در روشنایی بیان زیبا و قاطع ولی امر مسلمین اعلام می نمایم: که دشمنان اسلام با استفاده از تحجر و تعصب توأم با حسادت نسبت به اسلام محمدی (ص) و سیره رسول الله در تبانی با صهیونیسم بین المللی و پس مانده های کینه توز و حسود شجره خبیثه و تکفیری های مرتبط با یهود، نسبت به خاندان عصمت و طهارت زیر نام اسلام چهره پنهان نموده است تا جلو جهانی شدن اسلام و انقلاب اسلامی را گرفته و مسلمانان را بد نام کنند

اندیشه اسلام زدایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و عملیاتی نمودن راهکارهای علیه اسلام مبتنی بر کتاب
ا و عقل گره خوره به خاندان عصمت و طهارت و بیداری امت اسلامی، پدیده دور از توقع نبوده است و اگر
چنانچه کسانی فکر کرده و یا می کنند که دشمنان اسلام نبوی و انقلابی دست روی دست می گذارند و توطئه
نمی کنند، باید بدانند که دشمنان اسلام در این عصر و زمان به نسبت هر زمان و عصر دیگر نه تنها
فعال تر شده اند که تمامی تلاش و توطئه خود را با شبکه های صهیونیستی عربی و غیر عربی در دشمنی با
اسلام محمدی به همکاری قدرتهای بزرگ و شبکه های مافیایی و استخباراتی دولت های وابسته به استکبار
جهانی در راستای مخالفت با انقلاب اسلامی بکار انداخته تا جلو رشد و گسترش انقلاب اسلامی و اسلام
محمدی را بگیرند.

اینکه چرا کشورهای اسلامی را در اولویت قرار داده و زیر نظر گرفته و نطفه گذاری نموده و اقدام به
ایجاد گروه های سیاسی نظامی فرهنگی، اقتصادی و استخباراتی می نمایند برای این است که زمینه نفوذ
شبکه های عربی تبار یهودی الاصل و صهیونیستی در کشورهای اسلامی مؤثرتر از کشورهای دیگر عمل
می کنند.

از طرف دیگر ریشه اصلی مخالفت شبکه های فوق الذکر گره خورده به کسانی ایست که نه تنها با رسول خدا
که پس از رسول خدا در مخالفت با اسلام محمدی و خاندان پیامبر و اهل بیت او مدافعان آنها مرتبط
است. ساختارهای اطلاعاتی و اقتصادی کشورهای عربی و عربهای یهودی تبار مرتبط با صهیونیسم بین المللی
از سالها به این طرف است که مسلمین را مورد حمله قرار داده و برای نابودی و بدنام کردن آنها و یا
انحراف اسلام کار می کنند. آنها نمی گذارند که اسلام آنگونه که باید باشد به جهانیان عرضه شود
و این اتفاقی است که از ابتدا اسلام پس از رسول خدا بر مسلمانان تحمیل شده است.

رؤیا روی شدن ناشی از غفلت و شتاب زدگی آمریکا با انقلاب اسلامی و تشدید دشمنی با جهاد برحق
مجاهدین واقعی افغانستان فرصتی برای حسودان شجره خبیثه و یهودی های عرب تبار گره خورده به گوساله
پرستان سامری را بگونه سامان بخشیده است که هر روز غایله خلق می کنند و می کشند و چپاول می کنند.

بی خبر از اینکه انقلاب اسلامی با توکل بخدا و رهبری آگاه و ملت معتقد به رهبری، چالش هارا تبدیل به
فرصت نموده و اسلام را بعنوان دین مبتنی بر عقل و وحی وارد زندگی انسان متفکر و اندیشمند نموده و چه
بسی که فراتر از تفسیر دنیای گذرا و دنی که به تفسیر آخرت جاویدانه و عالی پرداخته است.

واقعیت انقلاب اسلامی با تکیه بر اراده مردم و احترام به آراء آنها در رابطه با انتخاب جمهوری اسلامی فصل جدی را در رابطه با دیموکراسی مرتبط با اسلام ارائه نمود. دیموکراسی که برای تمامی متفکرین، سیاسیون، اندیشمندان، مبارزین و انقلابیون ملت‌ها راهی را باز کرد که به تدریج، خود ارادیت توأم با استقلال و آزادی مرتبط با دیموکراسی غرب را نه تنها به چالش کشید که زیر سؤال برد!

کار بجای رسید ه است که دیموکراسی غرب علماً در رابطه با افغانستان، مصر، عراق، یمن، لیبی، حتی خود آمریکا عملاً تبدیل به دکتاتوری گردیده و بر ضد دیموکراسی عمل می‌کند. اگر غیر از این بود چرا به انتخابات افغانستان و مصر و کشورهای دیگر بها نداده و نمی‌دهند!

آمریکا از ابتدای امر وارد پروژه اسلام زدایی بر خواسته از توطئه صهیو نسیم غربی گردیده ه است و در این رابطه نه تنها اغفال گردید که شتاب زده وارد ماجرا گردیده است.

جالب است که منادیان دیموکراسی و آزادی بدون توجه به دست رسی انسان آگاه و مسئول به جهان آر تباطات و تکنولوژی اقدام به ایجاد و تقویت شبکه‌های استخباراتی، تمویل و تجهیز گروه‌های افراطی و تکفیری همچون طالب و القاعده و داعش و گروه‌های انتحاری و دهشت افکن نموده است که هر روز به نوعی افشا گردیده و طرح و توطئه آنها بر ملأ می‌گردد.

در حالیکه انقلاب اسلامی، با مخاطب قرار دادن متفکرین، اندیشمندان، صاحب نظران، انقلابیون جامعه بشری را نه تنها مخاطب ساخته که دعوت بحق و عدل و انصاف و آزادی و علم و حقوق شهروندی می‌نماید مضافاً، مخالفت با تحجر و جهل و خشونت و ترور و انتحار را وظیفه و ادای تکلیف هر مسلمان و انسان بخصوص متفکرین و صاحب خردان می‌داند.

حقیقت غیر قابل انکار و روبرشد انقلاب اسلامی در راستای دفاع و نجات انسان سر خورده از ستم و جهل و تحجر و تجاوز و خشونت به همان اندازه روشن، شفاف، منطقی و طبیعی است که تحمل ناامنی و تشدید دهشت افگنی و تمویل تروریزم و شبکه‌های انتحاری همچون طالبان و داعش و القاعده بر ملتها ست.

با توجه به نگاه محترم دکتر نادر ساعد در کتاب ائتلاف جهانی علیه تروریزم برای صلح عادلانه و انعکاس آن در مجمع بین المللی صلح جهانی مبنی بر اینکه: (در مقابل دور نمای وحشت ناکی که برای بشریت در پیش است به عیان در می‌یابید که صلح تنها پیکاریست که ارزش در گیر شدن را دارد)

این جانب عرض می‌دارم که پیام انقلاب اسلامی و معتقدین به اسلام به نسبت تمامی انسانها اعم از دوستان و دشمنان فراخوانیست که صلح را با نگاه بلند رسول گرامی اسلام و فرمایش ایشان می‌شود ترسیم نمود و آن اینکه: هر چه برای خود می‌پسندید برای دیگران هم بپسندید)

براستی اگر فرمایش رسول گرامی اسلام به نسبت انسانها عملی شود و هریک از انسانها آنچه را برای خود روا می‌دارند برای دیگران هم روا بدارند در جامعه انسانی هیچ مشکلی نخواهد بود چه رسد به جنگ و خونریزی، این است که صلح در بستر صلح فقط بخاطر اهمیت صلح و امنیت ممکن می‌گردد. زیرا صلح و امنیت تنها بستری ایست که برای عموم مردم یکسان زمینه سازی می‌کند.

برادران وخواهرا

واقعیت موجود نشان می‌دهد که زمان زور گویی قدرتهای بزرگ بین المللی و سوء استفاده از ملل ضعیف و عقب افتاده همراه با تهدید و فشار و تجاوز و لشکر کشی به کشورهای ضعیف و یا تقسیم آنها، بین قدرتهای بزرگ و حمایت از دولت غاصب اسرائیل، همراه با بی عدالتی بعنوان حقیت غیر قابل انکار از ملل عقب افتاده نه تنها تمام شده است که وحشت سران استکبار بین المللی بر خواسته از تحول مبتنی بر اسلام و آگاهی ملل جهان بخصوص متفکرین جهان غرب و اروپا به نسبت تشدید گروههای دهشت افکن تند رو و افراطی و هکذا تمویل شبکه‌های تروریسم، و انتحاری مرتبط با القاعده، طالب، داعش، سپاه صحابه، و ده‌ها نام دیگر در عراق، سوریه، یمن، لیبی، مصر، سودان، افغانستان، پاکستان وسایر کشورها، موقعیت و جایگاه قدرتهای بزرگ را نه تنها زیر سوال برده و به چالش کشیده است. که متفکرین و اندیشمندان جامعه بشری را که سر مایه‌های اصلی انسان در زمین‌اند، نسبت به اسلام ومسلمانان خوش بین نموده است.

با توجه به جایگاه و کرامت انسان متفکرو خدامحور دین مدار، در اسلام می‌توان گفت: که در هیچ یک از قوانین و یا مکتبی از مکاتب جهان حتی ادیان دیگر جایگاه انسان این گونه بیان نشده است که در اسلام و کلام خداوند تبارک و تعالی بیان شده است. قرآن می‌فرماید: هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون و پیامر ش که حبیب خداست می‌فرمایند تفکر الساعته خیر من عباد التسبعین حسنه و یا تاکید

فرموده‌اند: طلب‌لعلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة و هم چنان فرموده‌اند: اطلب العلم من المهد الالحد و غیره، طبیعی ایست که اگر چنانچه فرصت تفکر پیرامون جایگاه انسان از نظر اسلام صورت بگیرد اسلام جهانی شده و بساط دشمنان اسلام و مسلمین چیده می‌شود

وجه زیباست که اسلام به صرف اینکه مطالعه شود کافی نبوده است که مستلزم عمل است. متأسفانه باید گفت: آنچه در جهان کنونی در حال شکل گرفتن است نه تنها بحث پند و عبرت گرفتن از اتفاقات و حوادث طبیعی و غیر طبیعی مربوط به سرنوشت انسانها نیست که تکرار مصیبت‌های وارده بر انسان رانده شده و اسیر در جغرافیا و قلمرو حاکمیت انسان‌های خود محور است

نشانه‌های تروریسم و دهشت افگنی گروه‌های افراطی و تندرو القاعده و داعش واقعیت جدید سیاست بین المللی ایست که در واکنش به جهاد ملت افغانستان و پیروزی انقلاب اسلامی و بیداری امت اسلامی در جامعه بشری از طرف قدرت‌های بزرگ بواسطه افراد مذهبی و افراطی بنام اسلام شکل گرفته و سروسامان داده می‌شود. تا با عنوان کردن آنها از گسترش انقلاب اسلامی جلو گیری نموده باشند.

گذشته تروریسم نشان می‌دهد که (ریشه‌های اصلی تروریسم در جهان غرب شکل گرفته و در ادبیات جورج بوش و برخی از نظریه پردازان غربی بکار گرفته شده است. و گفته می‌شود: از سال 2001 به بعد محور اصلی ادبیات سیاسی رژیم صهیونیستی، آمریکا و بسیاری از کشورهای غربی بویژه فرانسه و انگلستان محسوب می‌شود.

یکی از واکنش‌های مهمی که آمریکا و قدرتهای همسو با آمریکا از خود نشان داد واکنش علیه جهاد و مجاهدین افغانستان و پیروزی انقلاب اسلامی بوده و هنوز هم است. اینکه تروریسم در گذشته چه مراحلی را طی نموده است و سابقه آن به قرن 18 و جنگهای داخلی آمریکا بر می‌گردد و چه بسی که برای باز پس گیری قدرت سیاسی از دست رفته بصورت تشکیلات سازمانی در آمده و مورد استفاده قرار گرفته است.

لا کوثر بعنوان نظریه پرداز، در دوره های مختلف تروریسم را مورد بحث قرار داده می‌گوید: گفتمان اصلی تروریسم در قرن 19 و اوایل قرن 20 واکنش نسبت به بی عدالتی‌های اقتصادی سرمایه داری بوده است.

در روسیه هم گروههای تروریست اقدام به ترور مقامات سیاسی و نظامی بعنوان فدا کاری روی می‌آوردند.

و در فرانسه پس از انقلاب در نتیجه رشد افکار و اندیشه های مارکسیستی سوسیالستی به عنوان واکنش در برابر سرمایه داری بصورت گروه های انقلابی به ترور متوصل می شدند. به هرصورت آنچه مهم است این است که تروریسم بر مرتبط با نیروی های طالب، القاعده، داعش و دهشت افگنی های گره خورده به انتحار و انفجار چیزی جز واکنش در رابطه با اسلام، جهاد، انقلاب اسلامی و بیداری امت اسلامی و متفکرین جامعه بشری نیست. حقیقت بر خورد غرب و آمریکا در بر خورد با انقلاب اسلامی چیزی جز تشدید، تمویل، تجهیز، و حمایت سیاسی نظامی و اقتصادی تروریسم نیست. آمریکا در تبانی با قدرتهای جهانی و بعضاً دولتهای همسو با آمریکا و اسرائیل انگلیس و عربستان سعودی گروه های تروریستی و دهشت افکن را زیر نام گروه های اسلامی سازمان دهی نموده تا اسلام را دین خشونت و مسلمانان را مردم خشن معرفی نموده و از گسترش و جهانی شدن انقلاب اسلامی جلو گیری نموده باشند. این درحالی است که انقلاب اسلامی را به انقلاب ارزشها تفسیر نموده اند. و می رود که انسان تهی از ارزش رایک بار دیگر عزت بخشیده و دعوت به اندیشه نماید اندیشه که مرزها و مغزها را در نور دیده و به نمایش می گذارد. نمایشی که فراتر از دیوار بتنی و سیم خار دار و شکنجه و تهدید و یا تطمیع کار بردی دارد.

ورود در قلمرو آن نه تنها اجرای مسئولیت است که ادای تکلیف است (علی کلکم راع وکلکم مسئول عن رعیتة) فرموده است (وقفو هم مسئولون) است.

چگونه ممکن است دینی که نگاهش نسبت به انسان این گونه بلند و بالاست، به نسبت کشتن و یا کشتار فردی و یا دسته جمعی آنها آنهم توسط مسلمانان چون طالب و القاعده داعش وزیر مجموعه آنها گروه های افراطی بی تفاوت بوده اندیشه نکرده و یا دستور العملی صادر نکرده باشد!

وقتی به واقعیت انجام شده و یاد در حال انجام رویدادهای، سیاسی، اجتماعی، نظامی و جغرافیایی در کشورها و جغرافیای جهان می نگری آیا هنوزهم فریاد (فاعتبرو یا اولالبصار) را به بلندای آسمان و پهنای زمین ندیده و نشنیده می پنداری و آیا فریاد (بای ذنب قتلت) را هنوز هم نادیده می نگری!

فریادی که امام راحل خمینی کبیر و بزرگ پیش از نیم قرن قبل از امروز نه تنها شنید و مشاهده نمود که عکس العمل نشان داده و شعار بزرگمرد چون سید جمال الدین الحسینی الافغانی را در راستای عملیاتی کردن کلمه التوحید به توحید الکهمه تا کید نموده و چه زیبا که صحبت از نجات مستضعفین می نماید.

او همچون جدش حسین ابن علی در برابر استبداد فریاد برآورد تا، انسان را از محاصره مرزها و مغزهای منجمد و میان خالی نجات بدهد و اجازه ندهد که حاکمان و زورگویان، انسان بزرگ و شریف را در استخدام خویش داشته و از دست آورد آنها سوء استفاده‌های مادی و معنوی نماید. زیرا خداوند انسان را عزت و کرامتی بخشیده است که باید پدید آکند.

قرائت امام خمینی از حکومت اسلامی به عنوان ولایت فقیه، سال‌ها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی مغزها را متحول ساخته و مرزها را در نور دیده است.

هم چنانیکه امروز حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه کشورها را درنور دیده و مغزها را متحول ساخته و دلها را تسخیر نموده است. و چه بسی که دانشمندان و متفکرین و صاحب نظران را در دفاع از خود ملزم به ادای تکلیف نموده تا موانع را بر دارند و زمینه را برای انقلاب به معنی واقعی کلمه اسلامی تدارک ببینند.

این‌ها کسانی اند که حفظ، بقا و تداوم حکومت مبتنی بر اسلام را بعنوان رسالتی مثمر و پیگیر، بر دوش علمای عامل، عرفای کامل و فقهای عادل و روندگان راه او بخصوص پیش کسوتان مبارزو عاشقان اهلبیت و اسلام نبوی زیر قیادت رهبر و ولی امر مسلمین دامت برکاته می‌دانند. چیزیکه فهم آن برای بسیاری از سیاست مداران و زورگویان حتی آن‌هایی که اهل سیاست و دیانت است قابل درک نیست.

ولایت فقیه تنها تئوری و بهترین تئوری است که متناسب به زمان و مکان جریان حرکت جامعه بشری را تفسیر نموده و انسان را متناسب به وضع موجود در مسیر مطلوب به تربیت گرفته و سازندگی و توسعه را متناسب به اصول مبتنی بر اسلام و منافع اسلامی بیمه می‌کند

دشمنان قسم خورده و کینه توز اسلام با حسادت از جایگاه اسلام وحسرت از موقعیت کاریز ماتیک وارثین حقیقی و عمایانیت ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی اقدام به براندازی نظام، تخریب تئوری، تحریک صفوف و تضعیف اراده جمعی نموده و ابتدا به ساکن اسلام شریعت را، در برابر اسلام دیانت و ولایت عنوان نموده و به سریاز گیری پرداخته و اقدام به تربیت و انسجام گروه‌های افراطی نموده‌اند.

در کنار سر باز گیری، حمایت از شبکه‌های مربوط به گروه‌های افراطی همچون طالبان و القاعده و داعش

وزیر مجموعه گروه‌های افراطی و متحجرو تکفیری، انقلاب اسلامی را نشانه گرفته و مسلمانان حقیقی و مبارزین واقعی و انقلابیون مستقل مسلمان و روندگان طریقت خمینی را در ردیف گروه‌های ترورستی تبلیغ نموده و افغانستان و عراق و سوریه و یمن و مصر و لیبی و کشورهای اسلامی را پایگاه و حامی مخالفین انقلاب اسلامی قرار داده و ولانه گروه‌های دهشت افکن و انتحاری ساخته و تمویل و تجهیز می‌کنند. تا تیئوری مرتبط به انقلاب اسلامی و ولایت فقیه را ازدور خارج سازند.

اما اراده الهی جزء این نیست که از دین و دینداران و دین باوران و روندگان صالح و سالم حمایت کند، این وعده الهی است تا خلافت زمین را به مستضعفین صالحی بدهد که عدل و قسط را جاگیرین ظلم و نابرابری می‌نماید.

و چه نیکو خواهد بود که ما و نسل ما در عصر و زمانیکه هستیم مؤمن در راه و مخلص به عمل و صادق در گفتار و رونده قافله باشیم که مأموریت اجرایی و عملی آن گره خورده به وجود ناله پاک رسول خدا و ذریه ابراهیم خلیل ا [می‌باشد.

جناب رئیس:

اینجانب بعنوان عضو کوچک مجمع تقریت مذاهب اسلامی ضمن تقدیر از بر گذاری نماز جماعت مشترک بر پیشنهاد سال گذشته مبنی بر انتخاب هیئتی از اعضای مجمع تقریب مذاهب اسلامی به نمایندگی از جهان اسلام و فرستادن آنها درکشور های اروپایی و غربی و سایر بلاد دیگر این امکان میسر است که مجمع تقریب مذاهب اسلامی به نمایندگی از جهان اسلام بخصوص مجمع بزرگ تقریب مذاهب اسلامی، اقدام به رفع اتهامات نموده و آنچه را که ساخته و پرداخته دشمنان اسلام است و به اسلام که دین رحمت است نسبت داده و می‌دهند از دامن اسلام بزدايند. زیرا از شان اسلام که دین تمامی انبیا ء الهی است، بدور است. و برای پیروان ادیان الهی است که به نسبت اتهام‌های وارده بر دین انبیایشان، عکس العمل نشان داده بر تعهد و میثاقشان نسبت به پیامران شان وفا دار باشند.

این جانب فکر می‌کنم که اعزام هیئتی بدین منظور می‌تواند در راستای دومین نامه ولی امر مسلمین به جوانان غرب و اروپا مفید و مؤثر باشد. در پایا ضمن آرزوی توفیق شما از صبر و حوصله مندی همه شما متشکرم.

ولسلام و عليكم و رحمت الله و بركاته

محمد رحيم افضلي عضو مجمع تقريـب مذاهب سلام

چکیده:

جناب رئيس، هيئت محترم، حصار گرامي خواهران و برادران سلام عليكم و رحمت الله و بركاته.

محترماً: اجازه بفرمائيد مختصراً مطلبی پيرامون، (دشمنان انبياي الهي: از گوساله پرستان سامري تا صهيونيزم بين المللي و تكفيريهاي عرب تبار يهودي الاصل داعش، در مقابلـه با انقلاب اسلامي) باشما صحبت نمايم.

اما قبل از هرچيز، شايشته و سزاوار ميدانم ياد امام راحل رهبركبيرو فرزانه انقلاب و بنيان گزار جمهوري اسلامي را گرامي داشته و درود بي پايان خويش را بر روان آن عارف شب زنده دار، متوكل به خدا، مطمئن به عنايات الهي و همكاري مردم بفرستم.

و از دین باوری عمیق و ژرف ولی امر مسلمین رهبر فرزانه انقلاب اسلامی نسبت به اسلام، ولایت، و وحدت امت اسلامی نه تنها باید آموخت که تشکرو قدر دانی نمایم، که مجمع تقریب مذاهب اسلامی را در راستای هدف بلند امام راحل مدیریت و رهبری نموده تا بادرک او لویت های زمانی و مکانی اسلام و مسلمین در رابطه با سرنوشت آنها به صحبت نشسته و بستری برای بیداری انسانها و تحقق اسلام و ظهور حضرت حجت ابن الحسن العسکری (ع) تدارک دیده و آماده سازی می کنند.

حضار محترم: جناب رئیس

بحران و چالش بوام با شکست در اردو گاه قدرتهای بزرگ بین المللی به معنی حقیقی کلمه زمانی رقم زده شد که پیر مردی از تبار ابراهیم تبر بدوش، صراط المستقیم هدایت را نه تنها در تدبیر و اندیشه که در رفتن بطرف جهان فراتر از جهان قدرتهای بزرگ جهانی ترسیم، توصیه و عمل نمودند و چه زیبا فرمودند که: ملت آمریکا کم کم بیدار می شوند و خواهد شد.....

همچنانیکه رهبر فرزانه انقلاب و ولی امر مسلمین با رهنمودهای خرد مندان و تلاش توام با امید صحبت از آگاهی جوانان و متفکرین و اندیشمندان جهان بخصوص اروپا و غرب را عنوان نموده که اگر چنانچه خوب و دقیق مدیریت شود مطمئناً اثراتی را در اقصی نقاط جهان بخصوص کشورهای اسلامی و متفکرین در پی خواهد داشت.

در روشنائی بیان زیبا و قاطع ولی امر مسلمین اعلام می نمایم: که دشمنان اسلام با استفاده از تحجر و تعصب توام با حسادت نسبت به اسلام محمدی (ص) و سیره رسول ا در تبانی با صهیو نیزم بین المللی و پس مانده های کینه توز و حسود شجره خبیثه و تکفیری های مرتبط با یهود، نسبت به خاندان عصمت و طهارت زیر نام اسلام چهره پنهان نموده است تا جلو جهانی شدن اسلام و انقلاب اسلامی را گرفته و مسلمانان را بد نام کنند

یرادران و خواهران:

اندیشه اسلام زدایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی علیه اسلام مبتنی بر کتاب ا و عقل گره خوره به خاندان عصمت و طهارت و بیداری امت اسلامی، پدیده دور از توقع نبوده است و اگر چنانچه کسانی فکر کرده و یا می کنند که دشمنان اسلام نبوی و انقلابی دست روی دست می گذارند و توطئه نمی کنند، باید بدانند که دشمنان اسلام در این عصر و زمان به نسبت هر زمان و عصر دیگر نه تنها فعال تر شده اند که

تمامي تلاش و توطئه خود را با شبکه‌هاي صهيونستي عربي و غير عربي در دشمني با اسلام محمدي به همکاري قدرتهاي بزرگ و شبکه‌هاي مافيايي و استخباراتي دولت‌هاي وابسته به استکبار جهاني در راستاي مخالفت با انقلاب اسلامي بکار انداخته تا جلو رشد و گسترش انقلاب اسلامي و اسلام محمدي را بگيرند.

ساختارهاي سياسي اطلاعاتي و اقتصادي کشورهاي عربي و عربيهاي يهودي تبار مرتبط با صهيونيزم بين المللي از سالها به اين طرف است که مسلمين ارادت مند به اهلبيت پيامبر خدا را مورد هجمه قرار داده و براي نابودي و بدنام کردن آنها و يا انحراف اسلام ناب کار مي‌کنند. آن‌ها نمي‌گذارند که اسلام آنگونه که بايد باشد به جهان بيان عرضه شود و اين اتفاقي است که از ابتدا اسلام ـ پس از رسول خدا بر مسلمانان تحميل شده است.

رؤيا روي شدن ناشي از غفلت و شتاب زدگي آمريکا با انقلاب اسلامي و تشديد دشمني با جهاد برحق مجاهدين واقعي افغانستان فرصتي براي حسودان شجره خبيثه و يهودي‌هاي عرب تبارگره خورده به گوساله پرستان سامري را بگونه سامان بخشیده است که هر روز غايله خلق مي‌کنند و مي‌کشند و چپاول مي‌کنند.

بي خبر از اينکه انقلاب اسلامي با توکل بخدا و رهبري آگاه و ملت معتقد به رهبري، چالش هارا تبديل به فرصت نموده و اسلام را بعنوان دين مبتني بر عقل و وحی وارد زندگي انسان متفکر و انديشمند نموده و چه بسي که فراتر از تفسير دنياي گذرا و دني که به تفسير آخرت جاويدانه و عالي پرداخته است.

واقعيت انقلاب اسلامي با تکیه بر اراده مردم و احترام به آراء آنها در رابطه با انتخاب جمهوري اسلامي فصل جديرا در رابطه با ديموکراسي مرتبط با اسلام ارائه نمود. ديموکراسي که براي تمامي متفکرين، سياسيون، انديشمندان، مبارزين و انقلابيون ملت‌ها راهي را باز کرد که به تدريج، خود اراديت توام با استقلال و آزادي مرتبط با ديموکراسي غرب را نه تنها به چالش کشيد که زير سؤال برد!

کار بجاي رسيد ه است که ديموکراسي غرب علماً در رابطه با افغانستان، مصر، عراق، يمن، ليبيا، حتي خود آمريکا عملاً تبديل به دکتاتوري گرديده و بر ضد ديموکراسي عمل مي‌کند. اگر غير از اين بود چرا به انتخابات افغانستان و مصر و کشورهاي ديگر بهان داده و نمي‌دهند!

آمریکا از ابتدای امر وارد پروژه اسلام زدایی بر خواسته از توطئه صهیو نسیم عربي گردید ه است و دراین رابطه نه تنها اغفال گردید که شتاب زده وارد ماجرا گردیده است.

در حالیکه انقلاب اسلامی، با مخاطب قرار دادن متفکرین، اندیشمندان، صاحب نظران، انقلابیون جامعه بشری را نه تنها مخاطب ساخته که دعوت بحق و عدل و انصاف و آزادی و علم و حقوق شهروندی می‌نماید مضافاً، مخالفت با تجر و جهل و خشونت و ترور و انتحار را وظیفه و ادای تکلیف هر مسلمان و انسان بخصوص متفکرین و صاحب خردان می‌داند.

..... با توجه به نگاه محترم دکتر نادر ساعد در کتاب ائتلاف جهانی علیه تروریسم برای صلح عادلانه و انعکاس آن در مجمع بین المللی صلح جهانی مبنی بر اینکه: (در مقابل دور نمای وحشت ناکه برای بشریت در پیش است به عیان در می‌یابید که صلح تنها پیکاریست که ارزش در گیر شدن را دارد)

این جانب عرض می‌دارم که پیام انقلاب اسلامی و معتقدین به اسلام به نسبت تمامی انسانها اعم از دوستان و دشمنان فراخوانیست که صلح را با نگاه بلند رسول گرامی اسلام و فرمایش ایشان می‌شود ترسیم نمود و آن اینکه: هر چه برای خود می‌پسندید برای دیگران هم بپسندید)

براستی تحقق فرمایش رسول گرامی اسلام به نسبت انسانها، رمز اصلی تحقق صلح است. صلحی که در بستر صلح فقط بخاطر اهمیت صلح و امنیت ممکن می‌گردد. زیرا صلح و امنیت تنها بستری ایست که برای عموم مردم یکسان زمینه سازی می‌کند.

حضرار گرامی:

گذشته تروریسم نشان می‌دهد که (ریشه‌های اصلی تروریسم در جهان غرب شکل گرفته و در ادبیات جورج بوش و برخی از نظریه پردازان غربی بکار گرفته شده است. و گفته می‌شود: از سال 2001 به بعد محور اصلی ادبیات سیاسی رژیم صهیونیستی، آمریکا و بسیاری از کشورهای غربی بویژه فرانسه و انگلستان محسوب می‌شود.)

یکی از واکنش‌های مهمی که آمریکا و قدرتهای همسو با آمریکا از خود نشان داد واکنش علیه جهاد و مجاهدین افغانستان و پیروزی انقلاب اسلامی بوده و هنوز هم است. جای گفتمان دارد.....

به هرصورت آنچه مهم است این است که تروریزم مرتبط با نیروی‌های طالب، القاعده، داعش و دهشت افگنی‌های موجود واکنش مستقیم آمریکا و استکبار بین‌المللی در برخورد با انقلاب اسلامی و چیزی جز تشدید، تمویل، تجهیز و حمایت سیاسی نظامی و اقتصادی تروریزم نیست شکی وجود ندارد. اینکه آمریکا در تبانی با قدرتهای جهانی و بعضاً دولتهای همسو با آمریکا و اسرائیل انگلیس و عربستان سعودی گروه‌های تروریستی و دهشت افکن را زیر نام گروه‌های اسلامی سازمان دهی نموده است واضح است. آنچه مهم است این است که آنها از واقعیت گسترش و جهانی شدن انقلاب اسلامی در هراس‌اند. آنها می‌دانند که انقلاب اسلامی به انقلاب ارزشها مشهور است. و می‌رود که انسان تهی از ارزش رایک بار دیگر عزت بخشد و دعوت به اندیشه نماید. اندیشه که مرزها و مغزها را در نور دیده و به نمایش می‌گذارد. نمایشی که فراتر از دیوار بتنی و سیم خار دار و شکنجه و تهدید و یا تطمیع و بمب و کشتار کار بردی دارد. ورود در قلمرو آن نه تنها اجرای مسئولیت است که ادای تکلیف است (علی کلکم راع وکلکم مسئول عن رعیتة) فرموده است (وقفو هم مسئولون) است.

وقتی به واقعیت انجام شده و یاد در حال انجام رویدادهای، سیاسی، اجتماعی، نظامی و جغرافیایی مرتبط به اسلام و اندیشه اسلامی می‌نگرند فریاد (فاعتبروا یا اولالبصار) را به بلندای آسمان و پهنای زمین شنیده و و می‌نگرند که اسلام بعنوان نجات انسان نه تنها بهترین عرضه کننده راه نجات انسان در زمین است که فریاد (بای ذنب قتل) را به بلندای آسمان عرضه می‌دارد.

فریادی که امام راحل خمینی کبیر و بزرگ پیش از نیم قرن قبل از امروز نه تنها شنید و مشاهده نمود که عکس العمل نشان داده و شعار بزرگمرد چون سید جمال الدین الحسینی الافغانی را در راستای عملیاتی کردن کلمه التوحید به توحید الکمه تا کید نموده و چه زیبا که صحبت از نجات مستضعفین می‌نماید.

قرائت امام خمینی از حکومت اسلامی به عنوان ولایت فقیه، سال‌ها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی مغزها را متحول ساخته و مرزها را در نور دیده است.

هم چنانیکه امروز حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه کشورها را درنور دیده و مغزها را متحول ساخته و دلها را تسخیر نموده است. و می‌رود که دانشمندان و متفکرین را در دفاع از اسلام ملزم به ادای تکلیف نموده تا موانع را بر دارند و زمینه را برای انقلاب به معنی واقعی کلمه اسلامی تدارک ببینند.

این‌ها کسانی‌اند که حفظ، بقا و تداوم حکومت مبتنی بر اسلام را بعنوان رسالت، بر دوش علمای عامل، عرفای کامل و فقهای عادل و روندگان راه او بخصوص پیش‌کسوتان مبارزو عاشقان اهل‌بیت و اسلام نبوی زیر قیادت رهبر و ولی امر مسلمین دامت حفاظت‌ه می‌دانند.

تئوری ولایت فقیه نماد و جرعه ایست در عصر وزمان ما که جریان حرکت جامعه بشری شفاف و قابل درک تفسیر نموده و انسان به بن بست رسیده را متناسب به وضع موجود در مسیر مطلوب به تربیت گرفته و هدایت می‌کند تا سازندگی و توسعه را متناسب به اصول مبتنی بر اسلام و منافع اسلامی بیمه کند

دشمنان قسم خورده و کینه توز اسلام با حسادت از جایگاه اسلام وحسرت از موقعیت کاریز ماتیکی وارثین حقیقی و عصایانیت ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی اقدام به براندازی نظام، تخریب تیئوری، تحریک صفوف و تضعیف اراده جمعی نموده و ابتدا به ساکن اسلام شریعت را، در برابر اسلام دیانت و ولایت عنوان نموده و به سریاز گیری پرداخته و اقدام به تربیت و انسجام گروه‌های افراطی نموده‌اند.

در کنار سر باز گیری، حمایت از شبکه‌های مربوط به گروه‌های افراطی همچون طالبان و القاعده و داعش وزیر مجموعه گروه‌های افراطی و متحجرو تکفیری، انقلاب اسلامی را نشانه گرفته و مسلمانان حقیقی و مبارزین واقعی و انقلابیون مستقل مسلمان و روندگان طریقت خمینی را در ردیف گروه‌های ترورستی تبلیغ نموده و افغانستان و عراق و سوریه و یمن و مصر و لیبی و کشورهای اسلامی را همانند پاکستان پایگاه تروریزم و دهشت افگنی در مخالفت به انقلاب اسلامی قرار داده تا تیئوری مرتبط به انقلاب اسلامی و ولایت فقیه را ازدور خارج سازند.

اما اراده الهی جزء تحقق وعده الهی است تا خلافت زمین را به مستضعفین صالحی بدهد که عدل و قسط را جاگیرین ظلم و نابرابری می‌نماید.

وچه نیکو خواهد بود که ما و نسل ما در عصر و زمانیکه هستیم مؤمن در راه، مخلص در عمل، صادق در گفتار و رونده قافله باشیم که مأموریت اجرایی و عملی آن گره خورده به وجود ثالاه پاک رسولخدا و ذریه ابراهیم خلیل ا‌ می‌باشد.

جناب رئیس:

اینجانب بعنوان عضوکوچک مجمع تقریت مذاهب اسلامی ضمن تقدیر از بر گذاری نماز جماعت مشترک سال

گذشته بر پیشنهاد قبلي مبني بر انتخاب هيئتي از اعضاي مجمع تقريبن مذاهب اسلامي به نمايندگي از جهان اسلام و فرستادن آنها در کشور هاي اروپايي و غربي وساير بلاد ديگر، اقدام به رفع اتهامات وارده بر اسلام و مسلمين نموده و به اتهام وشبهه ساخته و پرداخته دشمنان اسلام است به پردازند. زيرا اين امکان ميسر است که مجمع تقريبن مذاهب اسلامي به نمايندگي از جهان اسلام اتهام وارده را منتفي سازند. انشا اﷻ زيرا از شان اسلام که دين تمامي انبيا ء الهي است، بدور است. و براي پيروان اديان الهي است که به نسبت اتهام هاي وارده بر دين انبياشان، عکس العمل نشان داده بر تعهد و ميثاقشان نسبت به پيامران شان وفا دار باشند. ايجانب ياور دارم که اعزام نمايندگان تقريبن در راستاي سرعت بخشيدن به آرمان انقلاب اسلامي مفيد و مؤثر خواهد بود. انشا اﷻ.

والسلام و عليكم و رحمت اﷻ و برکاته

محمد رحيم افضلي